

بررسی دو شبهه درباره مصحف امام علی (ع)

رضا فرشچیان*

استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۲/۲۰ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۶/۴/۶)

چکیده

بنا به روایت‌های فراوانی از شیعه و اهل سنت، حضرت علی (ع) نخستین جامع قرآن کریم پس از پیامبر اکرم (ص) بوده، اما شبهه‌هایی نیز مطرح شده است. نخست این که اهل سنت با انگیزه توجیه بیعت نکردن امام (ع) با خلیفه اول به روایت این روایات اقدام کرده‌اند. بنابراین، در درستی این روایت‌ها خدشه وارد است و دیگر این که مراد از جمع قرآن، به خاطر سپردن است و نه مکتوب کردن قرآن. آنچه بر شبهه اول دلالت دارد تنها در روایت‌های ابن‌سیرین دیده می‌شود، اما روایات او مرسل بوده و از انسجام برخوردار نیست و با دیگر روایات جمع هم‌خوانی ندارد. شبهه دوم با هدف صیانت قرآن که از سوی امام (ع) نقل شده است، منافات دارد و با آنچه بر مکتوب‌بودن گردآوری ایشان دلالت دارد، نمی‌خواند. از این رو، هیچ‌یک از این دو شبهه نمی‌تواند جمع قرآن به وسیله امام علی (ع) را مورد تردید قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، مصحف علی (ع)، جمع قرآن، علوم قرآنی.

طرح مسأله

با آن که روایت‌های فراوانی در گردآوری قرآن به دست امیرمؤمنان (ع) از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده است تا آن حد که برخی اثبات آن را بی‌نیاز از دلیل

دانسته‌اند (نک: موسوی‌خویی، ۲۲۳/۱)، اما شبهه‌هایی نیز مطرح شده است که از یک سو اصل گردآوری قرآن به دست امام (ع) را مورد سؤال قرار می‌دهد و از دیگر سو انکار فضیلتی از فضائل علی (ع) را در پی دارد. از این رو، حل این شبهه‌ها، ضمن کمکی شایان به مباحث جمع قرآن، که از جمله مهمترین بحث‌های علوم قرآنی است، ما را در شناخت مقام امام علی (ع) تواناتر می‌کند.

شبهه نخست: تشکیک در درستی روایات جمع قرآن

نکته‌ای که درباره مصحف امام (ع) نبایستی از نظر دور داشت، تشکیکی است که در درستی گردآوری قرآن به دست امام (ع) ابراز شده است. برخی با توجه به این نکته که گروهی از اهل سنت بیعت نکردن امام (ع) با ابوبکر را به دلیل جمع قرآن دانسته‌اند، اصل گردآوری را مورد تشکیک قرار داده‌اند. گویی روایاتی که بر جمع قرآن به وسیله امام (ع) دلالت دارد، برای تأیید خلافت ابوبکر ساخته شده است، با این توجیه که غیبت امام (ع) در بیعت، به دلیل جمع‌آوری قرآن بوده است. این مهم در مورد یکی از روایات اهل سنت مشهود است، چرا که در آن از واژگانی استفاده شده است که می‌تواند این شبهه را تقویت کند. در این روایت ابوبکر از امام علی (ع) می‌پرسد: آیا از خلافت من ناخشنودی؟ و پاسخ می‌شوند: نه، دیدم به کتاب خدا افزوده می‌شود ... و ابوبکر می‌گوید: خوب تشخیص دادی (نک: ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۸/۶).

ابن‌ابی‌الحدید (۶۵۶ هـ.ق) نوشته است: اهل حدیث بر خلاف شیعه، حضور نیافتن علی (ع) را مخالفت با بیعت ندانسته‌اند، بلکه آن، به دلیل اشتغال به جمع قرآن بوده است (نک: ۲۷/۱). ابن حجر هیتمی (۹۷۳ هـ.ق) نیز با تمسک به این روایت، غیبت امام علی (ع) از بیعت با ابوبکر را توجیه کرده است (نک: ۴۴/۱).

این شبهه سبب شده تا در تمامی روایات جمع که از سوی اهل سنت یا از جانب شیعه رسیده است به دیده تردید نگریسته و انگیزه‌های مذهبی و افراط، در نقل آنها مؤثر قلمداد شود (نک: عبایی‌خراسانی، ۵۲؛ منتظری، ۴۸۴).

۱. بررسی شبهه

از آنجا که نشان دادن طرق فراوان روایات جمع قرآن به دست امام علی (ع) خود از راه‌های اثبات اصل مصحف و سبب زدودن ابهامات در این خصوص است، بحث را با روایات شیعه آغاز می‌کنیم و سپس به دیگر روایات می‌پردازیم.

دانسته‌اند (نک: موسوی‌خویی، ۲۲۳/۱)، اما شبهه‌هایی نیز مطرح شده است که از یک سو اصل گردآوری قرآن به دست امام (ع) را مورد سؤال قرار می‌دهد و از دیگر سو انکار فضیلتی از فضائل علی (ع) را در پی دارد. از این رو، حل این شبهه‌ها، ضمن کمکی شایان به مباحث جمع قرآن، که از جمله مهمترین بحث‌های علوم قرآنی است، ما را در شناخت مقام امام علی (ع) تواناتر می‌کند.

شبهه نخست: تشکیک در درستی روایات جمع قرآن

نکته‌ای که درباره مصحف امام (ع) نبایستی از نظر دور داشت، تشکیکی است که در درستی گردآوری قرآن به دست امام (ع) ابراز شده است. برخی با توجه به این نکته که گروهی از اهل سنت بیعت نکردن امام (ع) با ابوبکر را به دلیل جمع قرآن دانسته‌اند، اصل گردآوری را مورد تشکیک قرار داده‌اند. گویی روایاتی که بر جمع قرآن به وسیله امام (ع) دلالت دارد، برای تأیید خلافت ابوبکر ساخته شده است، با این توجیه که غیبت امام (ع) در بیعت، به دلیل جمع‌آوری قرآن بوده است. این مهم در مورد یکی از روایات اهل سنت مشهود است، چرا که در آن از واژگانی استفاده شده است که می‌تواند این شبهه را تقویت کند. در این روایت ابوبکر از امام علی (ع) می‌پرسد: آیا از خلافت من ناخشنودی؟ و پاسخ می‌شوند: نه، دیدم به کتاب خدا افزوده می‌شود ... و ابوبکر می‌گوید: خوب تشخیص دادی (نک: ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۸/۶).

ابن‌ابی‌الدید (۶۵۶ هـ ق) نوشته است: اهل حدیث بر خلاف شیعه، حضور نیافتن علی (ع) را مخالفت با بیعت ندانسته‌اند، بلکه آن، به دلیل اشتغال به جمع قرآن بوده است (نک: ۲۷/۱). ابن‌حجر هیمتی (۹۷۳ هـ ق) نیز با تمسک به این روایت، غیبت امام علی (ع) از بیعت با ابوبکر را توجیه کرده است (نک: ۴۴/۱).

این شبهه سبب شده تا در تمامی روایات جمع که از سوی اهل سنت یا از جانب شیعه رسیده است به دیده تردید نگریسته و انگیزه‌های مذهبی و افراط، در نقل آنها مؤثر قلمداد شود (نک: عبایی‌خراسانی، ۵۲؛ منتظری، ۴۸۴).

۱. بررسی شبهه

از آنجا که نشان دادن طرق فراوان روایات جمع قرآن به دست امام علی (ع) خود از راههای اثبات اصل مصحف و سبب زدودن ابهامات در این خصوص است، بحث را با روایات شیعه آغاز می‌کنیم و سپس به دیگر روایات می‌پردازیم.

۱. ۱. روایات شیعیه در جمع قرآن به دست امام علی (ع)

الف - روایت جابر بن یزید از امام باقر (ع): امیرمؤمنان (ع) هفت روز پس از وفات پیامبر (ص) در مدینه خطبه‌ای^۱ خواند و آن هنگامی بود که از جمع و تألیف قرآن بیاسود (نک: کلینی، ۱۸/۸)؛

ب - روایت ابو حمزه ثمالی از امام باقر (ع): احدی از این امت، قرآن را جمع نکرده است مگر وصی حضرت محمد (ص) (نک: قمی، ۲/۴۵۱)؛

ج - روایت ابان بن تغلب از حضرت صادق (ع): بر اساس این روایت امام علی (ع) می‌فرماید: هنگامی که رسول خدا (ص) وفات یافت به امور ایشان مشغول بودم و سوگند یاد کردم که جز برای نماز ردا بر دوش نگیرم تا قرآن را جمع کنم و چنین کردم (نک: طبرسی، ۷۵)؛

د - روایت سالم بن ابی سلمه از امام صادق (ع): بنا به این روایت، علی (ع) قرآن را همانگونه که خداوند فرستاده، به نگارش در آورده و به مردم عرضه می‌کند، ولی آنان از پذیرش آن سرباز می‌زنند (نک: صفار، ۱۹۳؛ کلینی، ۲/۶۳۳)؛

ه - روایت مفضل: امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش‌های مفضل، به جمع و تألیف قرآن به دست امام علی (ع) بعد از رحلت پیامبر (ص) اشاره می‌کند (نک: نوری، ۱۲/۳۹۰)؛

و - روایت ابوبکر حضرمی از امام صادق (ع): پیامبر (ص) به امام علی (ع) دستور گردآوری قرآن را داد و ایشان آن را در پارچه‌ای زرد قرار داد و فرمود: ردا بر دوش نمی‌گیرم تا آن را جمع کنم (نک: قمی، ۲/۴۵۱). این روایت همانند اکثر روایات جمع قرآن به دست امام (ع) در بر دارنده سوگند معروف ایشان است و به قرینه دیگر روایات می‌توان آن را مربوط به پس از رحلت پیامبر (ص) دانست؛

ز - روایت اسحاق بن موسی از امام کاظم (ع): اسحاق از پدرش از اجدادش، سوگند امام علی (ع) مبنی بر گردآوری قرآن را در ضمن خطبه‌ای از حضرت علی (ع) در کوفه نقل می‌کند (نک: طبرسی، ۱۹۰)؛

ح - روایت ابو ذر: هنگامی که پیامبر (ص) رحلت کرد امام علی (ع) قرآن را گرد آورد و به مهاجر و انصار عرضه کرد (نک: همان، ۱۵۵)؛

۱. این کلام به "خطبة الوسيلة" معروف است.

ط - روایات سلیم بن قیس: وی حدیث جمع قرآن را از امام علی (ع) در ضمن سخنانی که خود از ایشان در جمعی از اصحاب، شنیده است، نقل می‌کند (نک: هلالی، ۶۶۴) و از سلمان آورد که ابوبکر خواستار بیعت امام علی (ع) شد و ایشان در پاسخ به سوگند خویش بر تألیف و حفظ قرآن اشاره فرمود (نک: همان، ۵۸۱ - ۵۷۷):

ی - روایت ابن عباس: وی می‌گوید: علی (ع) پس از وفات پیامبر (ص) قرآن را به مدت شش ماه گرد آورد (نک: ابن شهر آشوب، ۴۱/۲).

۲.۱. روایت‌های اهل سنت درباره مصحف امام علی (ع)

الف - روایات ابن سیرین^۱: دانشمندان اهل سنت حدیث جمع قرآن به دست امام علی (ع) را بیشتر از طریق ابن سیرین نقل می‌کنند. سیوطی به سه طریق این روایت از ابن سیرین اشاره می‌کند: نخست روایت ابن‌ابی‌داود (۳۱۶ هـ ق); دیگر روایت ابن‌ضریر (۲۹۴ هـ ق) در فضائل‌القرآن که در این نقل، ابن‌سیرین از عکرمه از امام علی (ع) روایت می‌کند و در آخر، روایت ابن‌أشعث (۳۶۰ هـ ق) در المصاحف (نک: الاتقان، ۱/۱۶۱). ابن‌ابی‌داود می‌نویسد: هنگامی که رسول خدا (ص) رحلت کرد، علی قسم یاد کرد که ردا بر دوش نگیرد مگر برای نماز جمعه، تا قرآن را در مصحفی گرد آورد و چنین کرد (نک: ۱۰):

- روایت ابن‌سیرین از عکرمه: ابن‌ضریر در فضائل‌القرآن، سخن امام علی (ع) مبنی بر جمع قرآن با هدف صیانت از آن را، ضمن گفتگوی آن حضرت (ع) با ابوبکر به روایت عون از ابن‌سیرین از عکرمه، نقل کرده است (نک: سیوطی، همان، ۱/۱۶۱):

- روایت اشعث: ابن‌ابی‌داود سوگند امام علی (ع) درباره جمع قرآن در مصحف را به روایت اشعث از ابن‌سیرین در کتاب المصاحف نقل کرده است (نک: ۱۰):
ابن‌عساکر، ۳۹۸/۴۲:

۱. ابن‌سیرین در سال‌های پایانی خلافت عثمان دیده به جهان گشود و در ۷۷ سالگی به سال ۱۱۰ هجری از دنیا رفته است. وی از امام حسن (ع)، انس بن مالک، زید بن ثابت، حذیفه، ابن‌عمر، ابوهریره، عایشه و جمعی از بزرگان تابعین روایت کرده است و روایت او از ابن‌عباس و ابودردا قطعی نیست. از راویان وی، می‌توان به شعبی، ابن‌عون، ایوب، اشعث بن عبدالملک، عاصم الاحول، قتاده، اوزاعی، حسن بن دینار و مالک بن دینار اشاره کرد. جمعی از بزرگان اهل سنت، همانند ابن‌سعد، ابن‌معین و عجلو، او را توثیق کرده‌اند (نک: ابن‌حجر عسقلانی، کتاب تهذیب‌التهذیب، ۲/۲۴۰: ۱۹۰/۹-۱۹۲).

- روایت ایوب و ابن عون: روایت این دو نفر از ابن سیرین را با هم یا به تنهایی می‌توان در چندین مرجع اهل تسنن یافت (نک: ابن سعد، ۳۳۸/۲؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۸/۶؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ۹۷۳-۹۷۴؛ التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، ۳۰۱-۳۰۰/۸؛ حسکانی، ۳۸-۳۷/۱؛ ابن عساکر، ۳۹۸/۴۲)؛

- روایت حسن بن دینار^۱: حاکم حسکانی حدیث مورد بحث را متصلاً از حسن بن دینار از ابن سیرین نقل می‌کند (نک: ۳۶/۱)؛

ب - روایات سُدی: روایت جمع قرآن از حکم بن ظهیر از سدی از عبد خیر از امام علی (ع) نقل شده است (نک: ابن ندیم، ۴۱؛ ابونعیم اصبهانی، ۶۷/۱؛ حسکانی، ۳۶/۱) در روایتی دیگر، حکم بن ظهیر از سدی از عبد خیر از یمان از امام علی (ع) روایت می‌کند (نک: حسکانی، ۳۷/۱)؛

ج - روایت ایوب از عکرمه: عبدالرزاق (۲۱۱ هـ ق) در مصنف خویش، سوگند امام علی (ع) بر جمع قرآن را در ضمن گفتگوی عمر با آن حضرت، ذکر کرده است (نک: صنعانی، ۴۵۰/۵؛ ابن عبدالبر، ۹۷۴/۳؛ حسکانی، ۳۷/۱؛ محب‌الدین طبری، ۲۱۷/۲)؛

۳.۱. بررسی روایات اهل سنت

در میان روایات جمع قرآن به دست حضرت علی (ع)، تنها در روایت ابن سیرین (۱۱۰ هـ ق)، واژگانی مشاهده می‌شود که می‌تواند شبهه مورد بحث را تقویت کند و همین روایت است که از سوی دانشمندان اهل سنت، بیشتر نقل شده است (نک: ابن سعد، ۳۳۸/۲؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۸/۶؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ۹۷۴/۳؛ التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، ۳۰۱-۳۰۰/۸؛ حسکانی، ۳۸-۳۷/۱؛ ابن عساکر، ۳۹۹-۳۹۸/۴۲؛ محب‌الدین الطبری، ۲۱۷/۲؛ سیوطی، الاتقان، ۱۶۱/۱؛ تاریخ الخلفاء، ۱۸۵؛ ابن حجر هیتمی، ۳۷۵/۲)؛

بررسی روایت ابن سیرین: روایت ابن سیرین از سندی شایسته برخوردار نیست و به نوعی دچار عدم انسجام است.

۱. حسن بن واصل تمیمی از آن رو که دینار، شوهر مادر او بوده است، به حسن بن دینار معروف است. وی از ابن سیرین و از جمعی دیگر روایت کرده است. او از جمله ضعیفان دانسته شده است و هیچ کس وی را توثیق نکرده است. ابوحاتم او را کذاب خوانده است، اما شعبی وی را از تعدد در دروغ‌گویی مبرا کرده است (نک: ابن حجر عسقلانی، کتاب تهذیب التهذیب، ۲۴۰/۲-۲۴۱)؛

الف - ارسال و ضعف در روایت ابن سیرین. روایت ابن سیرین توسط پنج تن از راویان او نقل شده است. همگی این افراد، روایت او را مرسل نقل کرده‌اند. چرا که ابن عون، اشعث، ایوب و حسن بن دینار روایت امام علی (ع) را از ابن سیرین نقل می‌کنند و او نمی‌توانسته بدون واسطه از ایشان روایت کند. تنها ممکن است ادعای مسند بودن روایت ابن سیرین از عکرمة شود، که آن هم قطعی نیست. چرا که ابوزرعه روایت عکرمة از امام علی (ع) را از جمله روایات مرسل می‌داند (نک: ابن حجر عسقلانی، کتاب تهذیب التهذیب، ۲۴۲/۷). ابن عبدالبر، اجماع بر صحت مراسیل ابن سیرین را نقل می‌کند (نک: التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، ۳۰۱/۸). ولی ابن حجر عسقلانی روایت او را که ابن ابی داود در المصاحف نقل کرده است به دلیل منقطع بودن ضعیف می‌شمرد (نک: فتح الباری، ۱۳/۹؛ سیوطی، الاتقان، ۱۶۱/۱). این در حالی است که روایت‌های عبدخیر^۱ و یمان^۲ از امام علی (ع) مرسل نیست (نک: ابن ندیم، ۴۱؛ ابونعیم اصبهانی، ۶۷/۱؛ حسکانی، ۳۶-۳۷) و آشکار است که همانند روایت مرسل، ضعیف نیستند.

عکرمة بربری که مولی ابن عباس خوانده می‌شود از خوارج محسوب می‌شود و به لحاظ همین سابقه بد عقیدتی برخی چون مالک و ابن سیرین از او در سلسله سند روایت یاد نمی‌کنند. تنها مالک در یک روایت از او نام برده است (نک: ابن حجر عسقلانی، کتاب تهذیب التهذیب، ۲۳۹/۷) و به احتمال فراوان روایات جمع قرآن که راویان ابن سیرین آن را مرسل نقل کرده‌اند، در واقع شنیده‌های ابن سیرین از عکرمة باشد.

۱. عبد خیر دوران جاهلیت را درک کرده است، ولی در صحابی بودنش اختلاف است. وی روایات بسیاری از امام علی (ع) روایت کرده است و از جمعی دیگر همانند ابن مسعود، زید بن ارقم و عایشه نیز روایت کرده است. ابن حبان، ابن معین و عجلوی او را توثیق کرده‌اند (نک: ابن حجر عسقلانی، کتاب تهذیب التهذیب، ۱۱۲-۱۱۳). تنها در مسند علی بن ابی طالب از مسند ابن حنبل، ۳۶ روایت او از امام علی (ع) دیده می‌شود.

۲. درباره یمان که بنا بر نقل حاکم حسکانی عبد خیر از او از امام علی (ع) روایت می‌کند، با جستجوی فراوانی که در مجموعه‌های روایی و نیز برخی کتاب‌های رجالی اهل سنت انجام داده‌ام، مطلبی دیده نمی‌شود و می‌توان او را از جمله رجال 'مهمل' دانست.

عکرمه آن قدر با اهل بیت (ع) عناد می‌ورزد که با وجود روایت‌های فراوانی که بر نزول آیه تطهیر در اهل بیت (ع) دلالت دارد، حاضر است به مباحثه تن دهد تا اثبات کند این آیه در باره زنان پیامبر نازل شده است (نک: سیوطی، الدر المنثور، ۶۰۳/۶). طبیعی است که چنین فردی ادعا کند که امام علی (ع) از بیعت با ابوبکر ناخشنود نبوده است، بلکه جمع قرآن او را از آن باز داشته است. البته عکرمه تنها از نظر سابقه بد عقیدتی مورد اعتراض نیست، او حتی متهم است که روایات را صحیح نقل نمی‌کرده است^۱ و بر ابن عباس دروغ می‌بسته است. علی فرزند ابن عباس، ابن عمر و سعید بن مسیب وی را متهم به دروغ‌گویی بر ابن عباس کرده‌اند، مالک او را ثقه نمی‌دانست و دستور داده که از او حدیث گرفته نشود (نک: ابن حجر عسقلانی، کتاب تهذیب التهذیب، ۲۳۸/۷) و جالب است که بدانیم که ابن سیرین خود، عکرمه را کذاب خوانده است (نک: ذهبی، ۲۵/۵)^۲.

با ملاحظه آنچه گذشت به خوبی روشن است، روایتی که بر اساس آن امام علی (ع) ناخشنود از ابوبکر یا ناراضی از بیعت با او نبوده است، بلکه گرفتاری جمع قرآن باعث بیعت نکردن ایشان شده است، از لحاظ سندی قابل اعتماد نیست. چرا که به جز مرسل بودن نقل‌های آن، در سندش فردی دیده می‌شود که متهم به دروغ‌گویی، و دشمنی او با اهل بیت (ع) محرز بوده است.

ب - منسجم نبودن روایت ابن سیرین. در روایت اشعث، ایوب و ابن عون از ابن سیرین، ابوبکر از امام (ع) می‌پرسد: آیا از امارت من ناخشنودی؟^۳ (نک: ابن سعد، ۳۲۸/۲؛ ابن ابی داود، ۱۰؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ۹۷۴/۳؛ التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، ۳۰۱-۳۰۰/۸؛ حسکانی، ۳۸/۱) و در نقل ابن ابی شیبیه از ابن عون، خلافت، به جای امارت به کار برده شده است (نک: ۱۴۸/۶)، اما مهمتر این که حسن بن دینار، دیگر راوی ابن سیرین روایت می‌کند ... گفت: آیا از من ناخشنودی؟^۴

۱. «كان قد سمع الحديث من رجلين و كان اذا سئل حدث به عن رجل ثم يسأل عنه بعد ذلك فيحدث به عن الآخر فكانوا يقولون ما اكذب» (ابن حجر عسقلانی، کتاب تهذیب التهذیب، ۲۳۷/۷).

۲. «قال مسلم بن إبراهيم عن الصلت بن دينار سألت ابن سیرین عن عکرمه فقال ما یسوونی أن یکون من أهل الجنة و لکنه کذاب».

۳. أكرهت امارتی؟

۴. فقال أكرهتی؟

(نک: حسکانی، ۳۶/۱). آخرین روایت ناخشنودی از خلافت را نمی‌رساند. در حالی که، موارد دیگر، در آن صراحت دارد.

نکته قابل توجه در مورد این پرسش و پاسخ این است که در روایت ایوب از عکرمة، این گفتگو که مشتمل بر سوگند امام علی (ع) بر جمع قرآن است از امام علی (ع) و عمر نقل شده است و الفاظ آن شباهت بسیار به نقل ابن‌سیرین دارد. عبدالرزاق چنین روایت می‌کند: «عن معمر عن أيوب عن عكرمة قال لما بُويِع لأبي بكر تخلف عليٌّ عن بيعته و جلس في بيته فلقبه عمر، فقال: تخلفت عن بيعة أبي بكر، فقال: إني آليت بيمين حين قبض رسول الله (صلي الله عليه و سلم) ألا أرتدي بردائي إلا إلى الصلاة المكتوبة حتى أجمع القرآن» (صنعانی، ۴۵۰/۵). مقایسه کنید با:

«... أخبرنا ابن‌عون عن محمد، قال: لما استخلف أبو بكر قعد عليٌّ في بيته فقيل لأبي بكر، فأرسل إليه أكرهت خلافتي؟ قال: لا لم أكره خلافتك و لكن كان القرآن يزد فيه فلما قبض رسول الله (ص) جعلت عليٌّ أن لا أرتدي إلا إلى الصلاة حتى أجمعه للناس» (ابن‌أبي‌شيبه، ۱۴۸/۶).

در روایت ایوب از عکرمة، امام علی (ع) از امارت یا خلافت و خشنودی یا ناخشنودی از آن، سخنی به میان نیاورده است، ولی عکرمة در پایان می‌گوید: سپس، با او بیعت کرد، اما در *شواهد التنزیل* این سخن عکرمة دیده نمی‌شود با این که حاکم حسکانی، خود به سند متصل روایت را از عبدالرزاق نقل می‌کند (نک: ۳۷/۱).

نکته دیگر این است که در روایت عبد خیر و یمان از امام علی (ع)، به هیچ وجه سخنی از بیعت و یا خشنودی از خلافت نه به امام (ع) نسبت داده شده است و نه راویان چنین گفته‌اند (نک: ابن‌ندیم، ۴۱؛ ابونعیم‌اصبهبانی، ۶۷/۱؛ حسکانی، ۳۶-۳۷/۱) و در روایات شیعه نیز از این مسأله سخنی به میان نیامده است.

- پاسخ گفته‌ی ابوبکر نیز با اختلاف به امام (ع) نسبت داده شده است. در نقل اشعث و حسن‌بن‌دینار، قسم به لفظ جلاله به کار برده شده است (نک: ابن‌أبی‌داود، ۱۰؛ حسکانی، ۳۶/۱). اما در روایت ابن‌عون و ایوب، قسم به لفظ جلاله دیده نمی‌شود (نک: ابن‌سعد، ۳۳۸/۲؛ ابن‌أبی‌شيبه، ۱۴۸/۶؛ حسکانی، ۳۸/۱). روشن است بین کلام مؤکد به قسم به لفظ جلاله و جز آن تفاوتی عمده وجود دارد.

- در روایت اشعث از ابن سیرین آمده است که علی، سوگند یاد کرد تا ردا، جز برای نماز جمعه بر دوش نگیرد تا قرآن را در مصحفی گرد آورد (نک: ابن اُبی داود، همان)، اما در نقل ایوب از ابن سیرین، مشاهده می‌شود که این سخن با تغییراتی به امام علی (ع) نسبت داده شده است: ... ولی من سوگند خورده‌ام که جز برای نماز، ردا نگیرم تا مصحف را گرد آورم (نک: ابن عبدالبر، التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، ۸/ ۳۰۰-۳۰۱). در روایت دوم، همانند بیشتر روایاتی که متضمن سوگند امام علی (ع) است، سخن از نماز جمعه به میان نیامده و مشخص نیست جمع مصحف، به چه معنی است. بنابراین، سخن نسبت داده شده به امام علی (ع) در خصوص رضایت به خلافت تنها در روایت ابن سیرین دیده می‌شود و این نقل به دلیل مرسل بودن و منسجم نبودن نقل قول‌های آن و نیز به سبب مخالفت داشتن با سایر روایات جمع قابل اعتنا نبوده و نمی‌تواند تأییدی بر خلافت ابوبکر باشد و نیز نمی‌توان تنها با استناد به آن در درستی روایات جمع شبهه وارد کرد چرا که روایات جمع قرآن به دست امام علی (ع)، منحصر به روایت ابن سیرین نمی‌باشد.

صاحب تفسیر البیان هنگامی که از مصحف امام (ع) سخن می‌گوید خود را بی‌نیاز از اثبات آن می‌داند چرا که بزرگان علمای شیعه به دیده قبول به آن نگریسته‌اند (نک: ۲۲۳) و تنها به سخن شیخ مفید بسنده می‌شود که: و به تحقیق که امیرمؤمنان قرآن منزل را از آغاز تا انجام گرد آورد و آن را چنان که شایسته تألیف بود، فراهم آورد^۱ (نک: ۷۹).

۲. شبهه‌ای دیگر

محدثان اهل سنت از زکری روایت‌های مربوط به مصحف امام علی (ع) در کتاب‌های حدیثی خویش غفلت نورزیده و جمعی از دانشمندان علوم قرآنی و دیگر بزرگان ایشان، وجود مصحف امام علی (ع) را به عنوان مکتوبی که قرآن در آن گردآمده، پذیرفته‌اند.

۱. «و قد جمع أمير المؤمنين (ع) القرآن المنزل من أوله الى آخره و ألفه بحسب ما وجب من تأليفه ...».

ابن فارس در کتاب *المسائل الخمس*، ضمن سخن از ترتیب سوره‌های قرآن کریم، ترتیب ویژه‌ای را برای مصحف امام علی (ع) ذکر کرده است.^۱ سیوطی (۹۱۱ هـ ق) و زرقانی (۱۳۶۷ هـ ق)، به این رأی به دیده قبول نگریسته‌اند و سخن وی را نقل کرده‌اند (نک: سیوطی، *الإتقان*، ۱۷۱/۱؛ *اسرار ترتیب القرآن*، ۶۸/۱؛ زرقانی، ۲۴۴/۱). قاضی ابوبکر باقلانی (۴۰۳ هـ ق) بدون نام بردن از ابن فارس، سخن او را ذکر کرده است. قرطبی (۶۷۱ هـ ق) و زرکشی (۷۹۴ هـ ق) نیز گفته باقلانی را ذکر کرده‌اند (نک: قرطبی، ۵۹/۱؛ زرکشی، ۲۵۹/۱).

ابن ندیم (۲۸۵ هـ ق) مصحف آن حضرت (ع) را نخستین گردآوری قرآن پس از رسول اکرم (ص) دانسته است (نک: ۴۱) و شهرستانی (۵۴۸ هـ ق) در فصل دوم از *مقدمة مفاتیح الأسرار* به تفصیل از این کتاب سخن گفته است (نک: ۵/۱ آ).

این نمونه‌ها گویای آن است که دانشمندان بزرگ جهان اسلام به وجود مصحف امام علی (ع) به عنوان مکتوبی که قرآن در آن جمع شده است، اعتراف کرده‌اند، اما از آنجا که اهل تسنن، ابوبکر را نخستین جامع قرآن کریم می‌دانند و از جهتی روایات جمع قرآن به دست امام علی (ع) از سوی آنان نیز نقل شده است، برخی همانند ابوبکر جوهری^۲، و ابن حجر عسقلانی در صدد حل مشکل برآمده و مراد از جمع قرآن را به خاطر سپردن دانسته‌اند (نک: ابن‌أبی‌داود، ۱۰؛ ابن‌عساکر، ۳۹۸/۴۲؛ ابن‌حجر عسقلانی، *فتح الباری*، ۱۳/۹؛ سیوطی، *الاتقان*، ۱۶۱/۱). بنا بر این رأی، امام علی (ع) قسم یاد کرد که جز برای نماز رداء بر دوش نگیرد تا قرآن را به خاطر بسپارد. آیا این توجیه با روایات سازگاری دارد؟

۱. بنا به مشهور ترتیب مصحف امام علی (ع) بر اساس نزول سوره‌های قرآن بوده است، اما این دیدگاه از پشتوانه محکم روایی برخوردار نیست و نمی‌توان به آن اعتماد کرد (نک: فرشچیان، ۱۳۸). یعقوبی (بعد از ۲۹۲ هـ ق) ترتیبی دیگر را برای مصحف امام علی (ع) ذکر کرده است. بنا به آن، مصحف به هفت جزء تقسیم شده و هر جزء دربردارنده ۸۸۶ آیه بوده است، تعداد سوره‌ها در برخی از جزءها پانزده و در برخی شانزده می‌باشد (نک: ۱۳۵-۱۳۶).

۲. احمد بن عبدالعزیز، ابوبکر جوهری، نویسنده کتاب *السقیفة* می‌باشد که ابن‌ابی‌الحدید در شرح خود بر *نهج البلاغه* از او بسیار نقل می‌کند و او را دانشمندی محث و کثیرالادب، متقی و ثقة که محدثان، مصنفات او را روایت کرده‌اند، دانسته است (نک: ۲۱۰/۶).

۲. ۱. بررسی شبههٔ دوم

الف - در روایت اشعث آمده است: تا قرآن را در مصحفی کرد آورد^۱ (نک: ابن ابی داود، ۱۰). روشن است که جمع در مصحف با به خاطر سپردن، هم‌خوانی ندارد. ابوبکر جوهری درصدد توجیه بر آمده و می‌گوید: از 'مصحف' تنها در روایت اشعث نام برده شده است و او 'لِئِنَّ الْحَدِيثَ'^۲ است (نک: همانجا)، ولی در روایت ایوب نیز این واژه در عبارت 'حتى أجمع المصحف' به کار برده شده است (نک: ابن عبدالبر، التمهيد لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، ۸/۳۰۰-۳۰۱). احتمالاً، به قرینهٔ روایت سابق حرف 'فی' حذف شده باشد و گر نه چگونه می‌توان مصحف را جمع کرد. در حالی که، هنوز قرآن در مصحفی گرد نیامده است. نزدیک به همین مضمون را در روایت 'عبد خیر' می‌بینیم، در این روایت تعبیر 'حتى أجمع ما بین اللوحین' به کار برده شده است (نک: ابونعیم اصبهانی، ۶۷/۱). ابن حجر عسقلانی درصدد حل این مشکل برآمده و بدون هیچ توضیحی می‌نویسد: آنچه در برخی طرق واقع شده است که تا آن را میان دو لوح گرد آورم، و هم راوی روایت است^۳، وی آن گاه روایتی را از همین راوی (عبد خیر) که اولین جامع قرآن را ابوبکر می‌داند می‌پذیرد (نک: فتح الباری، ۱۲/۹).

ب - در روایت ابن عون، عبارت تا این که آن را برای مردم گرد آورم، دیده می‌شود^۴ (نک: ابن ابی شیبیه، ۱۴۸/۶) و نمی‌توان پذیرفت که جمع قرآن برای مردم با به خاطر سپردن یکی باشد.

ج - در روایات جمع، امام (ع) هدف خویش از گردآوری قرآن را ترس از اضافه کردن به قرآن و ایجاد تغییر در آن می‌داند (نک: همانجا؛ ابن عبدالبر،

۱. «حتى يجمع القرآن في مصحف».

۲. ابن صلاح 'لِئِنَّ الْحَدِيثَ' را از الفاظ جرح و نخستین مرتبه آن دانسته است و بنا به نظر دارقطنی، چنین عبارتی اگر چه راوی را از عدالت نمی‌اندازد و ساقط و متروک الحدیث نمی‌کند، ولی جرح او تلقی می‌شود (نک: زین‌الدین عراقی، ۱۲۸).

۳. «والذی وقع فی بعض الطرق حتى جمعه بین اللوحین وهم من راویه».

۴. «حتى أجمعه للناس».

الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ۹۷۲/۳؛ حسکائی، ۳۶، ۳۸/۱؛ ابن ابی الحدید، ۴۰/۶؛ محب الدین الطبری، ۲۱۷/۲). بدیهی است این هدف زمانی تأمین می‌شود که قرآن در مصحفی مکتوب گرد آید و گر نه به خاطر سپردن، هدف را برآورده نخواهد کرد.

د - از ابن سیرین و ابن عون سخنانی نقل شده است که نشان می‌دهد مراد از جمع قرآن، کتابت آن می‌باشد. ابن سیرین می‌گوید: به من رسیده است که او آن را بر اساس تنزیل نگاشت (نک: ابن سعد، ۳۳۸/۲؛ ابن عبدالبر، التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، ۳۰۱/۸؛ ابن عساکر، ۳۹۸/۴۲؛ محب الدین الطبری، ۲۱۷/۲؛ ابن حجر هیتمی، ۴۴/۱؛ ۳۷۵/۲) و نیز می‌گوید: «لو اصبحت ذلك الكتاب»^۱ (ابن عساکر، ۳۹۸/۴۲؛ ابن حجر هیتمی، ۳۷۵/۲) و در برخی روایات، عبارت «لو اصبحت ذلك الكتاب» دیده می‌شود (سیوطی، تاریخ الخلفاء، ۱۸۵) و ابن عون می‌گوید: از عکرمه درباره آن کتاب پرسیدم (نک: ابن سعد، ۳۳۸/۲؛ ابن عساکر، ۳۹۸/۴۲). این سخنان به خوبی بیانگر این است که ابن سیرین و راوی او، جمع را به معنی به خاطر سپردن نمی‌دانسته‌اند.

نتیجه

با ملاحظه آنچه در این نوشتار گذشت درمی‌یابیم که دو شبهه درباره مصحف امام علی (ع) مطرح شده است، برخی گردآوری قرآن به دست امام علی (ع) را توجیه اهل سنت در بیعت نکردن امام (ع) با ابوبکر و در نتیجه تأیید خلافت او دانسته‌اند و بعضی جمع قرآن را به معنی به خاطر سپردن دانسته‌اند. این نوشتار نشان می‌دهد: روایاتی که بر شبهه نخست دلالت دارد و تنها توسط ابن سیرین نقل شده، از سندی درخور برخوردار نبوده و متن آن نیز مضطرب است و شبهه دوم با هدفی که امام (ع) برای جمع قرآن ذکر کرده است (حفظ قرآن از تحریف) و با تعبیرهایی در روایات جمع که نشان‌دهنده کتابت قرآن است، در تضاد می‌باشد. همچنین این رأی بر خلاف نظر بزرگانی از اهل تسنن است که به مکتوب بودن گردآوری امام علی (ع) اعتقاد داشته‌اند. بنا بر این، به این شبهه نیز نمی‌توان به دیده اعتبار نگریست.

۱. اگر آن کتاب را بیابم.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، به تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۳۵۸ هـ ق؛
۳. ابن ابی داود، عبدالله، کتاب المصاحف، مکتبه المثنی، بغداد، ۱۹۳۶ م؛
۴. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، مصنف ابن ابی شیبیه، به تصحیح کمال یوسف الحوت، مکتبه الرشد، ریاض، ۱۴۰۹ هـ ق، چاپ اول؛
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، به تصحیح محمدفؤاد عبدالباقی و محب الدین الخطیب، دار المعرفة بیروت، ۱۳۷۹ هـ ق؛
۶. همو، کتاب تهذیب التهذیب، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق، چاپ اول؛
۷. ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، به تصحیح عبدالرحمن ترکی و کامل خراط، مؤسسة الرسالة بیروت، ۱۹۹۷ م، چاپ اول؛
۸. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت، بی تا؛
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، علامه، قم، ۱۳۷۹ هـ ق؛
۱۰. ابن عبدالبر قرطبی، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، به تصحیح علی محمد بجای، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۲ هـ ق، چاپ اول؛
۱۱. همو، التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، به تحقیق مصطفی بن احمد علوی و محمد عبدالکبیر بکری، وزارة عموم الاوقاف، مغرب، ۱۳۸۷ هـ ق؛
۱۲. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۷ هـ ق، چاپ اول؛
۱۳. ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن اسحاق، الفهرست، دار المعرفة، بیروت، ۱۳۹۸ هـ ق؛
۱۴. ابونعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۵ هـ ق، چاپ چهارم؛
۱۵. حسکانی، عبدالله بن عبدالله [حاکم حسکانی]، شواهد التنزیل، به تحقیق محمدباقر محمودی، مؤسسه چاپ و نشر، بی جا، ۱۴۱۱ هـ ق، چاپ اول؛
۱۶. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به تحقیق شعیب الأرنؤوط و محمدنعیم عرقسوسی، مؤسسة الرسالة بیروت، بی تا، چاپ نهم؛

١٧. زرقانی، محمدعبدالعظیم، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، به تحقیق مکتب البحوث و الدراسات، دار الفکر، بیروت، ١٩٩٦ م، چاپ اول؛
١٨. زرکشی، محمدبن بهادر، *البرهان فی علوم القرآن*، به تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، دار المعرفة، بیروت، ١٣٩١ هـ ق؛
١٩. زین الدین عراقی، عبدالرحیم، *التقید و الايضاح شرح مقدمة ابن الصلاح*، به تحقیق عبدالحمید هندای، المکتبه العصریه، صیدا، ١٤٢٢ هـ ق، چاپ اول؛
٢٠. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الإتقان فی علوم القرآن*، الفاروق الحدیثه، قاهره، ١٤١٥ هـ ق؛
٢١. همو، *أسرار، ترتیب القرآن*، به تحقیق عبدالقادر احمدعطا، دار الاعتصام، قاهره، ١٣٩٦ هـ ق، چاپ دوم؛
٢٢. همو، *تاریخ الخلفاء*، به تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، بی نا، بی جا، بی تا؛
٢٣. همو، *الدر المنثور فی التفسیر المأثور*، دار الفکر، بیروت، ١٤٠٣ هـ ق، چاپ اول؛
٢٤. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، *مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار*، تهران، مرکز انتشار نسخ خطی، ١٤٠٩ هـ ق؛
٢٥. صفار، محمدبن حسن، *بصائر الدرجات*، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ١٤٠٤ هـ ق، چاپ دوم؛
٢٦. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *مصنف عبد الرزاق*، به تصحیح حبیب الرحمن اعظمی، المکتب الاسلامی، بیروت، ١٤٠٢ هـ ق، چاپ دوم؛
٢٧. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، نشر مرتضی، مشهد، ١٤٠٣ هـ ق؛
٢٨. عبای خراسانی، محمد، *جمع القرآن و تألیفه*، مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، ش ٥، ١-٥٢، ١٤١٣ هـ ق؛
٢٩. فرشچیان، رضا، *مصحف امیرالمؤمنین (ع) یا نخستین کتاب در حوزه علوم قرآنی*، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ١٧٨، ١٩-١، ١٣٨٥ هـ ش؛
٣٠. قرطبی، محمدبن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، به تحقیق احمد عبدالعلیم بردونی، دار الشعب، قاهره، ١٣٧٢ هـ ق، چاپ دوم؛

۳۱. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، دار الکتاب، قم، ۱۴۰۴ هـ ق، چاپ سوم؛
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، به تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۳ هـ ش، چاپ پنجم؛
۳۳. محب‌الدین طبری، احمد بن عبدالله، *الریاض النضره*، به تصحیح عیسی عبدالله، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ۱۹۹۶ م، چاپ اول؛
۳۴. مفید، محمد بن محمد، *المسائل السرویة*، به تحقیق صائب عبدالحمید، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ هـ ق، چاپ اول؛
۳۵. منتظری، حسین علی، *نهاية الأصول، تقریرات درس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی*، تفکر، قم، ۱۴۱۵ هـ ق، چاپ اول؛
۳۶. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *البيان فی تفسیر القرآن*، دار الزهراء (س)، بیروت، ۱۴۰۱ هـ ق، چاپ هشتم؛
۳۷. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل‌البیته (ع)، قم، ۱۴۰۸ هـ ق، چاپ اول؛
۳۸. هلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، الهادی، قم، ۱۴۱۵ هـ ق، چاپ اول؛
۳۹. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.

A survey of two doubts about Imam Ali's Mos-haf

Reza Farshchian*

Assistant professor of Shahid Bahonar university of Kerman
(Received: 20 May 2007, Accepted: 27 June 2007)

Abstract

A great number of Shia and Sunni traditions show that Imam Ali (PBUH) was the first compiler of holy *Qura'n* after Prophet's death. In spite of that, there are some doubts about it. The first doubt comes back to the purpose of Sunni's traditions, because they related it to account for why Imam Ali didn't swear allegiance to the first Caliph, therefore these traditions are unreliable. The other doubt comes back to the meaning of *Qura'n* gathering -jame *Qura'n*-, it means the memorization of the *Qura'n* not its writing. The first doubt isn't correct because it is found only in Ibn-Sirin traditions but his traditions aren't continues-mosnad- and it disagrees with other *Qura'n* gathering traditions. The second doubt disagrees with the purpose of *Qura'n* gathering that is related by Imam Ali and also is incompatible with the traditions that show Imam Ali's collection was an a text. Therefore these two doubts aren't reliable.

Keywords Imam Ali, Ali's Mos-haf, *Qura'n* gathering, Qura'nic sciences.

Bibliography

1. *Holy Qura'n*;
2. A'baei Khurasani, Muhammad, *Jame al- Qura'n Va Ta'lifehi*, articles of sheikh mofeed congress V.5, pp. 1-54, Qom, 1413 A.Q;
3. Abu Naeim Isfahani, Ahmad, *Helaya al- Awlia*, 4th.ed., Dar al- Ketab al- Arabi pub., Beirut, 1405 A.Q;
4. Farshchian, Reza, *Mos-haf e Amir al- Mu'minin ya nokhostin Ketab Dar Hozeh Ulum Qura'ni*, journal of the faculty of letters And humanities, V.57, No.178, pp. 1-19, Tehran, 2006;
5. Haskani, Abd Allah, [Hakim Haskani], *Shavahed al- Tanzil*, 1st.ed, chap& nasher pub., Nowhere, 1411 A.Q;

6. Helali, Sulaym, *Ketab Sulaym Ibn Qais al- Helali*, 1st ed., Qom, 1415 A.Q;
7. Ibn Abd al-Bar al- Qurtubi, Yusuf , *al- Estia'b*, 1st.ed., Dar al- Jail pub., Beirut, 1412 A.Q;
8. *ibid*, *al- Tamhid*, Vezara Umoom al- Awqaf, al- Maghreb, 1387 A.Q;
9. Ibn Abi Dawoud, Abd Allah, *Ketab al- Masahef*, al- Mothana pub., Baghdad, 1936;
10. Ibn Abi al- Hadid, *Sharh al- Nahj al- Balâghah*, Dar Ehya al- Toroth al- Arabi pub., Beirut, 1358 A.Q;
11. Ibn Abi Shiba, Abd Allah, *Musanaf Ibn Abi Shiba*, 1st ed., al- Rushd pub., Riyadh, 1409 A.Q;
12. Ibn Asakir, Ali, *Tarikh medina Damascus*, 1st.ed., Dar al- Fekr pub., Beirut, 1417 A.Q;
13. Ibn Hajar al- Asqalani, Ahmad, *Fath al- Bari*, Dar el- Marifah pub., Beirut, 1379 A.Q;
14. *ibid*, *Ketab Tahdhib al- Tahdhib*, 1st.ed., Dar al- Fekr pub., Beirut, 1404 A.Q;
15. Ibn Hajar al- Haytami, Ahmad, *al- Sawaeq al- Muhreqa*, 1st.ed., al- Resale pub., Beirut, 1997;
16. Ibn al- Nadim, Abu al- faraj Muhammad, *al- Fehrest*, Dar el- Marifah pub., Beirut, 1398 A.Q;
17. Ibn Saed, Muhammad, *al- Tabaqat al- Kobra*, Dar al- Sadr pub., Beirut, Undated;
18. Ibn Shahr Ashub , Muhammad, *Manaqeb Al Abi Talib*, Allamah pub., Qom, 1379 A.Q;
19. Kulayni, Muhammad, *al- Kâfi*, 5th ed., Dar al- Kutub al Islamia pub., Tehran, 1363 A.H;
20. Mofeed, Muhammad, *al- - Masael al- Saravia*, 1st ed., Sheikh Mofeed congress, Qom, 1413 A.Q;
21. Montazeri, *Nahaya al- Osoul*, 1st ed., Tafakkor pub., Qom, 1415 A.Q;
22. Muhibb Al- din al- Tabari, Ahmad, *al- Riyadh al- Nadhara*, 1st ed., Dar al- gharb al- Islami pub., Beirut, 1996;
23. Musawi Khoei, Seyyid Abu al- Qasem, *al- - Bayan Fi Tafsir al- Qura'n*, 8th, Dar al- Zahra pub., Beirut, 1401 A.Q;
24. Nori, Hosayn, *Mostadrak al- Vasaal*, 1st ed., Al al-Bayt institution, Qom, 1408 A.Q;
25. Qomi, Ali, *Tafsir al- Qomi*, 3rd ed., Dar al- Ketab pub., Qom, 1404 A.Q;
26. Qurtubi, Muhammad, *al-Jama' Le Ahkam al- Qura'n*, 2nd ed., Dar al- Sha'b pub., Cairo, 1372 A.Q;
27. Sana'ni, Abd al- Razzaq, *musannaf Abd al- Razzaq*, 2nd ed., al- Maktabat al- Islami pub., Beirut, 1402 A.Q;
28. Saffar, Muhammad, *Baser al Darajat*, 2nd ed., Ayat Allah Mara'shi library, Qom, 1404 A.Q;
29. Shahrestani, Muhammad, *Mafatih al- Asrâr Va Masabih al-Abrar*,

- Markaz enteshar nosakh khafi pub., Tehran, 1409 A.Q;
30. Suyuti, Abd al- Rahmân, *Asrâr Tartib al- Qura'n*, 2nd ed., Dar al- Ea'tesam pub., Cairo, 1396 A.Q;
31. ibid, *al- Dur al- Manthur*, 1st ed., Dar al- Fekr pub., Beirut, 1403 A.Q;
32. ibid, *al- Itqân Fi Ulum al- Qura'n*, al- Faroq al- Hadithah pub., Cairo, 1415 A.Q;
33. ibid, *Tarikh al- Kholafa*, Unknown pub. , Nowhere, Undated;
34. Tabarsi, Ahmad, *al- Ehtejaj*, Murtadâ pub., Mashed, 1403 A.Q;
35. Ya'qubi, Ahmad, *Tarikh Al-Ya'qubi*, Beirut, Dar Sader pub., Undated.
36. Zain al- din al- Iraqi, Abd al- Rahim, *al- Taqyed Va al- eidah*, 1st ed., al- Maktabat al- assrya pub., Sidon, 1442 A.Q;
37. Zahabi, Muhammad, *Siar A'lam al-NoBla*, 6th ed., al- Resale pub., Beirut, 1401 A.Q;
38. Zarkishi, Muhammad, *al-Borhan Fi Ulum al- Qura'n*, Dar el- Marifah pub., Beirut, 1391 A.Q;
39. Zorqani, Muhammad, *Manahel al-Erfan Fi Ulum al- Qura'n*, 1st ed., Dar al- Fekr pub., Beirut, 1996;